

سپهر قاضی نوری، استاد دانشگاه تربیت مدرس از درس‌های آموزنده کرونا می‌گوید

تمرکز در تصمیم‌گیری به کرونا محدود نشود

نظام سلامت و مدیریت از پس بحران برآمد و اوضاع از کنترل خارج نشد



عکس: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استادی به‌نام ستاد ملی مقابله با کرونا

شکل گرفت و اختیارات را هم به آن

دادند. البته همان اوایل هم نشانه‌های

واضحی بود که برخی نمی‌خواستند

این تمرکز باشد اما دیدیم که الان دیگر

خبری از این چیزها نیست و آن کارهای

تصمیم‌گیران قطع و متمرکز و البته تا

کرونا به‌خاطر تفاوتی که در مسأله وجود

دارم میدان‌مانورهای سیاسی و تبلیغاتی

نیست. بنابراین خیلی زود به مرحله

انتقادات و ادعاهای این دوره را می‌توان

می‌گویند حتی با فرض صحت برخی

انتقادات و ادعاهای این دوره را می‌توان

دوره موفقی در مدیریت کشور دانست.

بر همین اساس هم توصیه می‌کنند که

درس‌های این دوره و از جمله تمرکز

در تصمیم‌گیری را نباید در کرونا

محدود کرد.

احسان بداینی

خبرنگار

آمارها می‌گویند که مدیریت ایران در

دوران کرونا موفق بوده. باوری که سپهر

قاضی نوری، استاد دانشکده مدیریت و

اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس هم کم و

بیش به آن معتقد است و در مصاحبه با

«ایران» بر آن تأکید می‌کند. قاضی نوری

می‌گویند حتی با فرض صحت برخی

انتقادات و ادعاهای این دوره را می‌توان

دوره موفقی در مدیریت کشور دانست.

بر همین اساس هم توصیه می‌کنند که

درس‌های این دوره و از جمله تمرکز

در تصمیم‌گیری را نباید در کرونا

محدود کرد.

دوره کرونا تقریباً همه چیز را در کشور

مازرسایه خودش برد و تجربه جدیدی

از حکمرانی و مدیریت در ایران بود. شما

چه ارزیابی‌ای از این دوره و آنچه تا الان

در آن گذشته دارید؟ وقتی به تجربه چند

ماه گذشته نگاه می‌کنید، چه فضاهایی

دیرباره آن دارید و چه وجوه تمایزی برای

آن بر می‌شمرید؟

در شیوه‌های مدیریتی کشور ما

مشکلاتی وجود دارد که گاه مسیر برای

تصمیم‌سازی‌ها را با دشواری‌هایی

روبه روی می‌کند. شاید یکی از این مشکلات

عدم تناسب اختیارات و مسئولیت‌ها

باشد. به این معنا که تداخل برخی

اختیارات و مشخص نبودن اینکه چه

کسی باید در برابر آنها پاسخگو باشد

وجود داشت. با اینکه خود مسئولان هم

بعضاً منتقد همان حوزه‌های مسئولیت

خود هستند چنانکه همین چند وقت

قبل مسئول سازمان تبلیغات به‌عنوان

یک مسئول فرهنگی در مجلس در

مقام یک مطالبه‌گر حوزه فرهنگی

بیشترین انتقادات را به وضعیت این

حوزه داشت، گو اینکه اصلاً هیچ اختیار

و مسئولیتی در این بخش ندارد. اینها

یعنی اینکه این مسئولان، فارغ از اینکه از

چه جناحی هستند نمی‌توانند خودشان

را پاسخگوی بخشی که مسئولیت آن

را دارند، بدانند. پس این وسط سوآلی

که مطرح است این است که مسئول

کیست؟ بخشی از این وضعیت به خاطر

خرد شدن اختیارات میان بخش‌های

متختلف است که تمرکز در تصمیم‌گیری

را سخت می‌کند و به‌سما منجر به

انباشت موضوعات هم بشود.

دموکراسی یعنی اینکه در یک فرآیند

آزاد همه ایده‌ها و نظرهای باینند، خودشان

را مطرح کنند و مقبولیت عمومی خود را

بستند و نهایتاً به یک سلسله مراتب و

نظام‌هایی به یک تصمیم واحد برسند

و آن تصمیم عملیاتی شود. به نظر

می‌رسد از این حیث ما با مشکلاتی

روبه رو هستیم. مسأله مورد توجه دیگر

ضرورت توجه به قانون است. این فارغ

از این مسأله است که آیا قانون ما خوب

است یا نه؟ هر چه هست، به هر حال

قانون است و باید به آن احترام گذاشت

و اگر هم ایرادی دارد، راه آن در شکستن

قانون نیست بلکه اصلاح آن است.

منظورتان این است که هم در

سطح تصمیم و هم سطح اجرا نیازمند

اصلاحاتی هستیم؟

بله درست است. در این دو جنبه

نوعی به هم ریختگی وجود دارد که آن

تنها مسأله‌ای از ما را حل نمی‌کند بلکه

باعث انباشت مسائل حل نشده در

کشور هم شده است. وقتی هم اعتراضی

می‌کنیم جوری جلوه می‌دهند که انگار

به نظام اعتراض داریم در حالی که

مشکلات جامعه به علت این وضعیت

مدیریتی است (که در کشور ما سابقه چند

صدساله دارد) و نه اصول و مبانی نظام

اسلامی.

حالا در خصوص کرونا این وضعیت

چطور بازنصاب پیدا می‌کند؟ مدیریت

کرونا ای مادر همه جهت‌نشت است؟

نه اتفاقاً مسأله همین است که در

آن جهت‌نشت، در کرونا به دلایلی

که به نظر می‌کند از آنها ناشناخته بودن

این بیماری بود، وضع فرق کرد. یعنی

آن ابراهاری که ما همیشه برای کنترل

مسائل به کار می‌بردیم اینجا دیگر به

درد نمی‌خورند. در نتیجه، سیستم

بوروکراسی ما به سمت پذیرش یک

سری بدبخت‌رشته مدیریت و در رأس

آن تمرکز تصمیم‌گیری و اجرایی با

لحاظ کردن نظرات کارشناسی رفت.

خوب مدیریت شد و این خوب مدیریت

شدن را با لحاظ کردن شرایط کشور

عنوان می‌کنم. درست است که دادن

اعتبار به بنگاه‌های کوچک به اندازه

کافی نبود اما وقتی تجربه مدیریت

کرونا در ایران را با لحاظ کردن شرایط

خاصی که داریم در قیاس با خیلی از

کشورها می‌گذاریم، می‌توانیم به آن

نمره قبولی بدهیم. با این توصیف و

تصور **ی که شما ارائه می‌دهید به نظراتان**

آیا مقطع فراگیری کرونا یک نقطه عطف

در مدیریت کشور است؟ منظورم یک

جوش یا تغییر بزرگ نیست فقط سوآلم

هر چند حداقلی

ما هست. اما اگر از این مقطع درس

مدیریت کرونا نه یک نقطه عطف اما

حافل یک تجربه متفاوت در حکمرانی

ما هست. ما اگر از این مقطع درس

بگیریم و به این نتیجه برسیم که پس

از این باید پدیده‌ای احساس بی‌دولتی

را به معنای توزیع زیاد اختیارات

غیرشفاف بین مراکز مختلف قدرت و

موازی‌کاری‌های مرسوم کنار بگذاریم

و یک جمعی در قاصت یک سیستم

منظم و یک ساختار شفاف در کشور

پیدا شوند که اولاً حرفشان خوانده شود

و اجرا شود و ثانیاً پاسخگو هم باشند

کشور را در برگ بریدر یا تا حدی تلفات

کرونا را بپذیرد.

در پاکستان دولت اعلام کرد که تلفات

مادر اثر بیکاری به مراتب بیشتر از کرونا

خواهد بود و با این توجه قرنطینه نکرد.

شما همین را می‌خواهید برای ایران

بگویند؟

بله؛ این شوخی نیست. آن کارگران

روزمزد و دستفروش و امثال اینها،

اندوخته‌ای ندارند که دوره بیکاری را تاب

بیاورند. دولت هم منابعی برای حمایت

به آن شکل ندارد. در وضعیت بیکاری

مفرط و قرنطینه حتی گدایی و دزدی هم

نمی‌شود کرد، چون کسی بیرون نیست تا

از او گدایی و دزدی کنند. این یعنی مرگ

از گرسنگی. بنابراین به نظر من دولت

تا اینجا کار در مدیریت کرونا به هدف

خودش رسیده.

بنابراین می‌شود گفت اگر ما برخی

مشکلات به تعبیر شما انباشت شده از

قبل و از جمله در حوزه روابط خارجی را

نمی‌داشتیم مدیریت بهتری در مقابله با

کرونا داشتیم؟

قطعاً حرف درستی است، اما توضیح

من اکنون ناظر به مدیریتی دوره کرونا

است نه قبل از آن. اتفاقاً قبل از آن اگر

ما در سیاستگذاری و حکمرانی خودمان

در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست

خارجی دچار مشکل شدیم و برای کشور

مسأله ایجاد شد یکی از اصلی‌ترین

دلایلش نبود تمرکز تصمیم‌گیری و بر

اجرایی بود. یعنی همان چیزی که الان

عامل موفقیت نسبی مدیریت کرونا

شده. بله ما تلفات دادیم، خیلی جاها

مردم به سختی افتادند، تست کرونا کم

بود اما این هم واقعیت است که مثلاً

مانند ایتالیا ناشدیم که مردم می‌آمدند

و پشت در بیمارستان‌ها می‌مردند؛ یا در

برخی کشورهای پیشرفته وضع طوری

بود که پزشک باید بین چند بیمار یکی

را که شانس بیشتری داشت انتخاب

می‌کرد و به بقیه مورقین می‌زد که با درد

کمتری بپایند. بنابراین نظام سلامت و

همانگی اقتصادی با حضور سران سه

کرونا با توجه به همه فشارها، عدم

دسترسی‌ها و کمبودهایی که داشتیم از

پس اداره کردن اوضاع بر آمد. همانطور

که گفتیم ممکن است.

در کل من می‌گویم مشکل کرونا

شناسایی قرار گرفته و این خودش یک

قدم است. حالا شاید از نظر خیلی‌ها

بهرتر باشد به جای تشکیل هیات سران

سه قوه به شکل دیگری عمل شود اما

حداقل درک شده که کشور نیازمند یک

مرکز قدرتمند، متمرکز و هماهنگی است

که تبلور اراده ملی هم باشند و حرف و

تصمیم آنها برای همه نافذ باشد.

به این ترتیب شما دوره مدیریت کرونا

را دارای یک پتانسیل و یک تجربه متفاوت

آیا مقطع فراگیری کرونا یک نقطه عطف

در مدیریت کشور است؟ منظورم یک

جوش یا تغییر بزرگ نیست فقط سوآلم

هر چند حداقلی

ما هست. اما اگر از این مقطع درس

مدیریت کرونا نه یک نقطه عطف اما

حافل یک تجربه متفاوت در حکمرانی

ما هست. ما اگر از این مقطع درس

بگیریم و به این نتیجه برسیم که پس

از این باید پدیده‌ای احساس بی‌دولتی

را به معنای توزیع زیاد اختیارات

غیرشفاف بین مراکز مختلف قدرت و

موازی‌کاری‌های مرسوم کنار بگذاریم

و یک جمعی در قاصت یک سیستم

منظم و یک ساختار شفاف در کشور

پیدا شوند که اولاً حرفشان خوانده شود

و اجرا شود و ثانیاً پاسخگو هم باشند

کشور را در برگ بریدر یا تا حدی تلفات

کرونا را بپذیرد.

در پاکستان دولت اعلام کرد که تلفات

مادر اثر بیکاری به مراتب بیشتر از کرونا

خواهد بود و با این توجه قرنطینه نکرد.

شما همین را می‌خواهید برای ایران

بگویند؟

بله؛ این شوخی نیست. آن کارگران

روزمزد و دستفروش و امثال اینها،

اندوخته‌ای ندارند که دوره بیکاری را تاب

بیاورند. دولت هم منابعی برای حمایت

به آن شکل ندارد. در وضعیت بیکاری

مفرط و قرنطینه حتی گدایی و دزدی هم

نمی‌شود کرد، چون کسی بیرون نیست تا

از او گدایی و دزدی کنند. این یعنی مرگ

از گرسنگی. بنابراین به نظر من دولت

تا اینجا کار در مدیریت کرونا به هدف

خودش رسیده.

بنابراین می‌شود گفت اگر ما برخی

مشکلات به تعبیر شما انباشت شده از

قبل و از جمله در حوزه روابط خارجی را

نمی‌داشتیم مدیریت بهتری در مقابله با

کرونا داشتیم؟

قطعاً حرف درستی است، اما توضیح

من اکنون ناظر به مدیریتی دوره کرونا

است نه قبل از آن. اتفاقاً قبل از آن اگر

ما در سیاستگذاری و حکمرانی خودمان

در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست

خارجی دچار مشکل شدیم و برای کشور

مسأله ایجاد شد یکی از اصلی‌ترین

دلایلش نبود تمرکز تصمیم‌گیری و بر

اجرایی بود. یعنی همان چیزی که الان

عامل موفقیت نسبی مدیریت کرونا

شده. بله ما تلفات دادیم، خیلی جاها

مردم به سختی افتادند، تست کرونا کم